آموزش مداحی صدا سازی

در يك تقسيم بندي كلي صداها به زير و بم تقسيم مي شوند. منظور از زير بودن صدا، نازكي صدا و منظور از بم بودن صدا كلفتي صدا مي باشد .

  علت زیر و بمی صدا

به نظر مي رسد كه تفاوت طول و ضخامت تارهاي صوتي ، دليل اصلي تفاوت زير يا بم بودن صداست . بطور كلي هر چه طول تارهاي صوتي بیشتر و ضخامت آن كمتر باشد صدا زيرتر و هر چه طول تارهاي صوتي كمتر و ضخامت آنها بيشتر باشد صدا بم تر مي شود.

 **تغييرات صدا در حين رشد**

1.زيرترين صداي فرد در زماني است كه تازه به دنيا مي آيد و گريه مي كند.

2. زير يا بم بودن صداي كودكان بين پسر و دختر تفاوتي ندارد و تغييرات ايجاد شده تقريباً بين سنين 12-10 سالگي صورت مي گيرد . به اين نحوه كه هم در دختران و هم در پسران صدا بم تر مي شود با اين تفاوت كه ميزان بم شدگي در پسران بسيار بيشتر از دختران است .

درست در همين سنين است كه يك دوره گرفتگي صدا، به علت تغييرات هورموني در سنين بلوغ هم در پسران و هم در دختران ايجاد مي شود و اگر در اين دوران از صدا درست استفاده نشود صدا همچنان گرفته باقي مي ماند ولذا توصيه مي كنيم ذاكرين نوجوان در اين سنين به صدايشان فشار زيادي وارد ننمايند.

3. از سن 20 تا 70 سالگي صدا تقريباً ثابت بوده و ممكن است مقداري به سمت بم شدن پيش رود .

4. از سن 70 سالگي به بالا صدا به خصوص در آقايان شروع به زير شدن مي كند ، همچنين امكان گرفتگي صدا در اين سنين به علت تغييراتي در ساختمان حنجره (به علت پيري) مي باشد.

 **خصوصیات صدای زیر و بم**

كساني كه صدايشان زير است معمولا از قابليت اوج و ارتفاع زياد، انعطاف و تحرير بيشتري برخوردارند در حاليكه صداي بم معمولا داراي حجم و طنين بيشتري است. البته ناگفته نماند كه ممكن است صدايي در حين بم بودن داراي انعطاف و ارتفاع زيادي باشد و يا صداي زيري داراي حجم و طنين بالايي باشد، چراكه تمرين عاملي است كه روي تمام معادلات فني مداحي تأثير گذار است.

**زيرصدا**

الف) نوای زیر صدا

در مداحي بعضي از اساتيد نوايي وجود دارد كه در پرده و حجم صداي پايين ، با هاله اي از هوا همراه است ، اين نوا را "زيرصدا" ناميده ايم. نواي زيرصدا معمولا در ابتداي خواندن و فرودها و نشستها كاربرد دارد.

 **مراحل پیداکردن نوای زیرصدا**

1.حالت در گوشی حرف زدن : نفس ـ کلام

در حقيقت اگر به صداي در گوشي صحبت كردن ـ كه فقط نفس و كلام است ـ يك جوهره صدايي با سبك اضافه كنيد؛ نواي "زيرصدا" را به دست آورده ايد.

2.حالت دکلمه خوانی شعر بیدار کردن از خواب: نفس ، کلام ، جوهره صدا

3. پیدا شدن زیرصدا : نفس ، کلام ، جوهره صدا ـ آهنگ و سبک

ب) سبک زیرصدا:

با توجه به اين كه نواي زيرصدا در بعضي سبكها ـ مثل سبك استاد حاج سيد محمد موسوي ـ بسيار مشهود است ، ما سبك ايشان را با عنوان سبك زيرصدا نام نهاده ايم و براي يادگيري دقيق نواي زيرصدا ، استفاده از سبك استاد موسوي را توصيه مي كنيم.

سبک اساتیدی چون موسوی که نوای زیرصدا در آن بر نواهای دیگر غلبه دارد.

 **نكات كلي پيرامون زير و بم صدا**

**1.آیا زیر و بمی صدا قابل تغییر است؟**

از نظر علمی بله اما به علت مضراتی که دارد توصیه نمی شود . مثال بدنسازای هورمونی.

**2.چه كنيم صدايمان پخته شود؟**

در جواب بايد گفت ظاهرا منظور اين سؤال كنندگان اين است كه چه كنيم صدايمان پخته شود؟ با تمرين و ممارست و كسب تجربه ، به مرور صدا پخته و جا افتاده خواهدشد.

**3.از صدای چه کسی تقلید کنیم ؟**

 به هيچ وجه صداي استادي را تقليد نكنيد و در خواندن ، تُن صدايتان را تغيير ندهيد بلكه از سبك و روش خواندن اساتيد استفاده نماييد.

**4.از سبک چه کسی تقلید کنیم؟**

 در مرحله تقلید به پیشنهاد اساتید و در مرحله استقلال گلهای خواندن اساتید مختلف را بچینید و از کسی تقلید کنید که خواندنش را دوست دارید.

**5.برای مداحی کدام نوع صدا بهتر است؟**

برای مداحی فن محور صدای بم برای روضه مناسبتر است اما برای مداحی محتوا محور و معنویت محور تفاوتی بین صداها نیست.

**6. انعطاف صدا (تحرير)**

تعریف لغوی : تحریر ، كشش دادن صوت به هنگام آوازه خواني است.

تعریف اصطلاحی : به پيچ و خمها و لرز و موجهايي كه در خواندن به صدا داده مي شود تحرير

مي گويند. که معادل همان چه چه است.

**انواع تحریر**

1.تحرير موج: تحريري است كه فاصله بین اجزاي آن زیاد است و محل اتصال اجزاي آن ـ با شنیدن ـ محسوس نيست و فراز و نشيب ها و پيچ و خمها به حالت موجي از صدا به گوش مي رسد.

نکته : تحریر موج معمولا تک جزئی و با ترکیب تحریرهای دیگر مورد استفاده قرار می گیرد.

2. تحرير پله اي: تحريري است كه فاصله بین اجزاي آن زياد و تا حدی کمتر از تحریر موج است و محل اتصال اجزاي آن ـ از جهت شنيداري ـ کاملا احساس مي شود و گويا يك تكيه صوتي در محل اتصال اجزاي آن وجود دارد.

نکته: پرکاربردترین نوع تحریر تحریر پله ای است.

3. تحرير لرز: اگر در يك پرده ، صداي بدون تحرير را بلرزانيم ، این تحرير ايجاد مي شود.

نکته : تحریر لرز معمولا در ترکیب با انواع دیگر تحریر به کار می رود.

4. تحرير ريز:  اگر فاصله بين اجزاي تحرير پله اي را به حدي کم کنید كه به تحرير لرز نزديك شود، ويا همان تحرير لرز را با فاصله بيشتر بين اجزا ، به حالت صعودي يا فرودي ، در پرده هاي مختلف صدا پياده كنيد ، يك نوع تحرير زيباي ديگري ايجاد مي شود كه به آن تحرير ريز مي گوييم.

 **مراحل تمرين:**

1. انتخاب الگو

2.ملکه کردن الگو

3.همخواني با الگو  تا جايي كه از الگو جلو نزنيد، عقب نمانيد، بالاتر و يا پايين تر نخوانيد.

4. تكخواني

**نكات كلي پيرامون تحرير**

1. شناخت تحريرها شنيداري است و البته توضيحات داده شده تا حدي مي تواند در شناخت انواع تحرير مؤثر باشد.

2. براي تمرين ابتدا از تحريرهاي ساده تر شروع كرده و به مرور زمان به سراغ تحريرهاي سخت تر برويد.

3. با تركيب تحريرها ، نمونه های ذوقي و طبعي زيبايي ايجاد مي شود.

4. دقت كنيد تحريرهاي طبعي و ذوقي ناصحيح و نازيبا در خواندنتان جا نيفتد، البته پس از يادگيري صحيح انواع تحرير ، مي توانيد از تحريرهاي ذوقي زيبا استفاده كنيد. تشخيص صحت و سقم تحريرهاي ذوقي به تشخيص اساتيد است.

5. مواضعي كه بايد از تحريرهاي طولاني بپرهيزيد عبارت است از:

الف) در بسم الله و جملات عربي ابتدايي مجلس.

ب‌) هنگام باز كردن گره مرثيه(بيان سوزناكترين بخش روضه) ؛ چون تحرير طولاني، جلب توجه نموده و تمركز مستمع را نسبت به روضه كم مي كند.

ج‌) هنگام خواندن شعر در محافل مولودي؛ چرا كه عدم تحرير طولاني و كشش در عبارات ، خواندن شما را شادتر مي كند.

د‌) هنگام خواندن ادعيه و زيارات.

**7. طنين**

 تعریف علمی :

در اصطلاح فيزيك به نوسانهاي فرعي صوت طنين گفته مي شود .

 تعریف درمداحي:

به عاملي كه باعث تشخيص صداهاي مختلف از هم مي شود، طنين می گویند.

 تأثیر اجزای بدن در طنین صدا:

همان طور كه بدنه آلات موسيقي موجب طنين افكن شدن صداهايي مي گردد كه نوازنده به وجود مي-آورد، بدن شما نيز در تقويت طنین صدا نقش بدنه سازهاي موسيقي را دارد.

 صداي اوليه از تارهاي صوتي سرچشمه مي گيرد و با استخوانهاي سينه، دندان، سقف دهان، حفره-هاي بيني و ساير قسمتهاي صورت شما برخورد نموده و صدا را مرتعش و طنین افکن مي كند و ايجاد طنين مي كند.

 **راز شنیده شدن صدا از راه دور :**

طنین باعث می شود صدا از راه دور شنیده شود والا اگر ما فقط صداي ضعيف اوليه كه در تارهای صوتي ايجاد مي شود را مي شنيديم، صدايي به گوشمان

می رسید  كه تا چند قدمي قابل استماع است.

**انواع طنين**

الف) طنين سينه:

این نوع به واسطه برخورد امواج صدا با قفسه سينه ايجاد مي شود و غیر اختياری است و دائما در صداي شما وجود دارد.

ب) طنين سر:

 این نوع به واسطه برخورد امواج صدا با جمجمه ، منافذ سر و صورت و بینی ايجاد مي شود، این طنین با تمرين قابل تقويت و اختیاری است.

 راه پيدا كردن طنين سر :

آوردن صدا به سقف دهان و خواندن روي نوای «آ» يا «اُ».

**نكات قابل توجه**

1. انحراف بيني ، پوليپ ، سينوزيت و مشكلات فيزيكي حلق ، در طنين صدا تأثير گذار است ، لذا خوب است ذاكرين محترم تحت نظر متخصص گوش و حلق و بيني باشند و در صورت بروز مشكل به درمان آن بپردازند.

2.هنگام خواندن، ناخودآگاه راه خروج امواج را از بيني نبنديد؛ چرا كه صدا پس از گذشتن از منفذ غار شكل بيني طنين اندازتر مي شود.

3. هنگامي كه با تمام وجود و احساس و هيجان مي خوانيد گويا تمام سلولهاي بدن، با شما در خواندن همراه است ولذا صدايتان طنين افكن تر مي شود.

**تمرين:**

جهت تشخيص طنين شعري را انتخاب كنيد و آن را چند بار زمزمه كنيد و در هر بار با دست گذاشتن بر سر و استخوان بيني و لبها و سينه، ارتعاش صوت را در اين قسمتها احساس نماييد. كساني هستند كه موقع خواندن، ارتعاش راحتي در انگشتان دست و پاي خود احساس مي كنند.

**نکته ای برای مداحان جوان از زبان حاج حسن خلج به صورت خودمونی**



آقای مداح جوان این میکروفن رو میچسبونی به دهنت و هی هم داد میزنی خوب این مستمع بیچاره مغزش اصلا فرصت نمی کنه شما چی میگی . شعرت هدر میره هنر خوندنت هدر میره زحمت های حفظ کردن هات ، همه چی . همه ی کارهایی که باید تو بکنی دیگه نمیشه . اضطراب ایجاد میکنی با این کار ،استرس میدی به مستمعت. این میکروفن باید حداقل پنج شش انگشت [\*] فاصله داشته باشه . یه وقت هایی اگه صدا تنظیم نباشه ناخودآگاه خوننده حواسش نیست و فکر میکنه اگه میکروفن نزدیک کنه صدا خوب میشه مردم بهتر متوجه میشن به همین خاطر ناخودآگاه میکروفن نزدیک میکنه . وقتی صدا خوبه میکروفن رو نزدیک نبر بگذار مردم بفهمند چی میگی بگذار مردم صفا کنند ، با فراغ بال ، با ذهن آزاد ، با فکر راحت شعرتو بشنوند حرفتو بشنوند . خلاصه این بود میکروفن رو نچسبون به دهنت. [\* : ۶ انشگت میشه حدودا ۱۲ سانتی متر ]

کلیدی بزرگ در مداحی از زبان

حاج حسن خلج



یه روز دفتر حاج حسن خلج از ایشون پرسیدم حاج آقا اگه بخوایید یه کلید تو خوندن و مداحی کردن بعد از این همه سال قدمت به من بدید چه کلیدی میدید؟

آقای خلج فرمودند:همیشه سعی کنید مثل یه شاگرد که دم دست اوستاشه باشید یعنی ببینید اوستاتون چی میگه و عمل کنید ، نه اینکه خودتون خودسر...

گفتم حاج آقایه ذره شفاف تر توضیح میدید...

گفتند یعنی هیچوقت برای خودتون نچینید که الان برم اینجوری شروع کنم بعد به فلانجا که رسیدم این حرفو بزنم یا فلان مطلبو بگم که مجلس خوب پیش بره...بذارید ببینید چی به زبانتون از طرف اوستا یا صاحب جلسه جاری میشه...

بعد فرمودند من چنان معجزاتی در این نوع نوکری دیدم که بسیار عجیب بوده و بعد یه مثالی آوردن که همون روز براشون اتفاق افتاده بود..

گفتن در جلسه روضه میخواستن داستان بعد از شهادت بی بی دو عالم حضرت زهرا رو بگن که امام حسین علیه السلام با پدر به کنار مزار بی بی رفتن و خودشونو روی خاک انداختن و گریه کردن...

میگفت تو ذهنم بود گریزم این باشه که حسین جان یه روز شما اومدی کنارمزار مادر گریه کردی و روی خاک افتادی یه روزم خواهرتون زینب سلام الله علیها الی آخر....

حاج حسن میگفت ما بین روضه گفتم امیرالمومنین حسینشو از روی خاک بلندکرد لباساشو تکون داد...

تااین حرفوزدم دیدم مجلس منقلب شد ... یهویی بذهنم رسید گفتم آقاجان طاقت نداشتی یه ذره خاک رو لباس حسینت ببینی کجا بودی کربلا....

مجلس غوغایی شد عاشورایی شد که شاید گریز قبلی این کار رو نمی کرد و متوجه شدم خود بی بی است که این گریز رو به زبانم جاری کرد....

و اینجاست که باید مجلس رو دست صاحب مجلس داد...

و واقعا یه کلید بزرگ در خواندن روضه به من هدیه داد...

خداوند سایه همه نوکران بااخلاص سیدالشهدا را بالای سرمانگهداره...

**باتوجه به توصيه‏هاى بزرگان دينى در خصوص اخلاق و رفتار مداحان، در اين نوشتار چند نكته از باب فذكران الذكرى تنفع المؤمنين بيان مى شود.**

**1 - احترام به مردم و مستمعين**

 يكى از راه‏هاى تاليف قلوب مومنين و سوق دادن آن‏ها به سوى معارف مكتب اهل بيت (عليهم السلام) احترام به همه مردم است زيرا بسيار ديده شده با يك بى حرمتى به مستمع، نابه هنجارى‏هاى فراوانى را موجب شده است. متأسفانه برخى از مداحان در اين مورد دقت كافى ندارند و با گفتن برخى از عبارات مانند هر كس اشك نمى‏ريزد، چشم او چشم منافق است، اگر نمى‏توانى سينه بزنى توى مجلس نيا و يا اگر كسى اشك نريزد بايد در نطفه او شك كرد! نه تنها باعث جذب نمى‏شوند بلكه موجب دفع مردم مى‏شوند در حالى كه در روايات ما آمده حرمت مومنين از حرمت كعبه بيشتر است.

**2 - انصاف در نقل مطالب در توسل و روضه**

 منظور از انصاف در نقل روضه نقل مطالب و مصائب و مناقب اهل بيت (عليهم السلام) خوددارى از افراط و تفريط مى‏باشد يعنى عدم ورود به غلو كه شديدا مورد نكوهش حضرات معصومين (عليهم السلام) است و تفريط همان گفتارهاى دون شان محمد و آل محمد (عليهم السلام) است. به عبارت ديگر نه آنان را در حد الوهيت كه خاص پروردگار است بالا برده ونه آن قدر تنزل داده شوند كه با موجودات ديگر تشبيه و تمثيل شوند. بايد دقت كرد كه اعتقادات مومنين راجع به اهل بيت (عليهم السلام) به شك و شبهه دچار نشود. امام حسين (عليه السلام) روز عاشورا در آخرين وداع فرموده‏اند: اى اهل بيت من! پس شكوه مكنيد و چيزى بر زبان جارى نكنيد كه ارزش شما را بكاهد و در شان شما نباشد. انصاف در نقل مطالب را مى‏توان در عناوين ذيل نيز بررسى كرد:

 1 - پرهيز از ورود به جريان‏هاى سياسى و پرهيز از رد و يا تاييد حزب يا گروه سياسى. زيرا در جلسات امام حسين (عليه السلام) از تمامى سلايق سياسى حضور دارند واين كار باعث رنجش طرفداران يك طيف سياسى ديگر مى‏شود. مداحان مى‏توانند با شعرهاى پند اموز، اخلاقيت و مناقب، مردم را به اهل بيت (عليهم السلام) نزديك كنند تا خودشان راه را تشخيص بدهند و به مصداق آيه شريفه انا هديناه السبيل اما شاكرا و اما كفورا باشند. توجه به اين نكته لازم است؛ جايگاهى كه مداح در آن قرار گرفته است، آنچنان مقدس و عزيز است كه مافوق جرايانات و حروف و حديث‏هاى سياسى روز و خدايى نكرده سياسى بازى باشد و وظيفه اصلى معرفى تمام و كمال زواياى زندگى نورانى اهل بيت (عليهم السلام) مى‏باشد بطورى كه معيار و ميزان را به مستمع بدهد كه اگر اين اصل محقق گردد، سطح فكرى مردم بالا رفته و نتيجه مطلوب حاصل مى‏گردد و خود مصداق اصيل را مى‏يابند چرا كه اهل بيت (عليهم السلام) ساسه العباد بوده و حقيقت ديانت و سياست متبلور از وجود نورانى ايشان مى‏باشد.

 2 - پرهيز از تحليل‏هاى غلط و توهين‏آميز

 3 - رعايت ادب در گفتار

 4 - پرهيز از مواضع تهمت

 5 - بايد در نظر داشت جايگاهى كه در اختيار مادحين قرار دارد، بسيار مقدس است از اين رو مجاز نيستند كه هر چه اراده مى‏كنند به زبان آوند. اگر چنين باشد جبران آن بسيار سخت و دشوار و بعضا غير ممكن است بلكه مى‏بايست با كلان نگرى و جامع بينى و در نظر گرفتن مصالح مستمع و جامعه به ذكر و مداحى پرداخت.

 3 - احترام و روابط نزديك با مراجع دينى و علماى ربانى

داروى تربيت از پير طريقت بستان          كادمى را بتر از علت نادانى نيست

عابد و زاهد و صوفى همه طفلان رهند           مرد اگر هست به جز عالم ربانى نيست

 الف) افضل و اشرف از تمام طاعات و عبادات سه عمل است:

 اول طلب علم و موفق است؛ زيرا كه قوام و صحت هر عبادت منوط بر علم است. بلكه هر عملى كه انسان مى‏خواهد به جا بياورد اگر از راه علم وارد نشود آن عمل باطل و ضايع و خراب مى‏شود به خصوص مسائلى كه مربوط به اهل بيت (عليهم السلام) است. حضرت امير المؤمنين (عليه السلام) مى‏فرمايند: كسى كه بى علم عمل كند مثل كسى است كه راه كجى را بگيرد و برود. پس هر چه بيشتر قدم بر مى‏دارد از حاجت و مقصودش دور مى‏شود.

ترسم نرسى به كعبه‏اى اعرابى            اين ره كه تو مى‏روى به تركستان است

طى اين مرحله بى همرهى خضر مكن         ظلمات است بترس از خطر گمراهى

 هر كسى بدون كسب علم در مسئله‏اى ورود پيدا كند طبق فرمايش امير المؤمنين (عليه السلام) به بيراهه خواهد رفت. سخنورى و خطابه، بيان احكام شرعى، ورود به شبهات دينى و مذهبى همه و همه نياز به كسب علم دارد. توجه شود كه اين مسئله چنان مهم است كه حتى برخى روحانيون عالم و باسواد به سختى وارد اين عرصه مى‏شوند. از اين رو اخير حضرت آيت الله مكارم شيرازى دار المبلغين را تاسيس كرده‏اند تا طلبه‏ها پس از تحصيل در سطح و يا بالاتر به اين مدرسه بروند و درس تبليغ را بياموزند.

 شايسته است مداحان عزيز در مقوله نصايح به صورت كلامى و سخنرانى وارد نشوند، بلكه در قالب اشعار پرمحتوا با مضامين اخلاقى مثل: عنان نفس كشيدن جهاد مردان است، نفس شمرده زدن ذكر اهل عرفان است، به پند نصايح و ساير امور به اداره مجلس بپردازند و در اين مورد حتما با يكى از مراجع تقليد يا حتى المقدور يكى از روحانيون برجسته استان يا شهر يا محله كه الحمد الله فراوان داريم، مشورت كرده و نظر خواهى نمايند.

 ب) در كتاب خاطرات مستر همفر جاسوس انگليسى در ممالك اسلامى آورده شده است يكى از برنامه‏هاى استعمار براى از بين بردن اسلام، برهم زدن رابطه دوستى مردم با علما و مراجع دينى است و در بخش ديگر يكى از مشكلات استعمار را دل بستگى و علاقه شديد مردم به عالمان دين بربنيان عقيده وايمان مى‏داند و مى‏گويد بايد تلاش كنيم اساس هر گونه رابطه مردم با علماى دين و اساس هر گونه جماعتى را با زدن اتهاماتى به علما و مراجع و ائمه جمعه و جماعات خدشه دار كنيم و از استقبال و احترام مردم به اين جامعه بكاهيم. مخصوصاً لازم است افرادى را اجير كنيم تا با اشاعه اتهامات سبب سوءظن و دشمنى مردم با آن‏ها و شكسته شدن آن‏ها شود. آنچه باعث رونق مداحى و مرثيه سرايى اهل بيت شده تجه ويژه امام (ره) و مقام معظم رهبرى است و مراجع تقليد در زمان ما هم اين ارزش را چند برابر كرده است.

 توجه حكومت به نقش مداحان در كشور و احترام و تكريم آن‏ها در محافل عمومى همه و همه بيانگر اوج عظمت مداحان در پرتو سايه مراجع دينى و علما و مردم علاقمند به ساحت مقدس اهل بيت (عليهم السلام) مى‏باشد. پس به عنوان يك مداح مى‏بايست ضمن رعايت احترام به مراجع و مردم را تقويت كنيم. نه اينكه به عنوان آتش بيار معركه، آب در آسيب دشمن بريزيم واين عملى نخواهد شد مگر اينكه خودمان را بشكنيم و تواضع كنيم. در اين باره رعايت موارد ذيل مناسب به نظر مى‏رسد:

 الف: ديدار مستمر و كسب فيض به صورت ماهانه، فصلى و يا حتى المقدور سالى يكبار از مراجع تقليد.

 ب: حضور در پاى مجالس خطبا و وعاظ همان طورى كه آقايان در پاى منبر مداح مى‏نشينند.

 ج: خراب نكردن زمينه روضه واعظ با مقدمه چينى‏هاى بى جا.

 د: تعارف هنگام ختم جلسه براى دعا كردن به روحانى حاضر در مجلس

 5) ارتباط صميمانه با روحانى مسجد محل، هيات و...

 6) اذن گرفتن براى جلوس بر روى منبر هنگامى كه روحانى برجسته در محفل حضور دارد.

 **اخلاق مداحى (2): انتقاد پذيرى**

 1 - روحيه خدمتگزارى به مردم: ما خود را منتسب به اهل بيت (عليهم السلام) مى‏دانيم و همه اين شعر را با اشتياق مى‏خوانيم.

شدم از خردسالى بى اراده                                  ارادتمند بر اين خانواده

در اين جا انتسابم با حسين است                 به فردا هم حسابم با حسين است

 اگر زندگى اهل بيت (عليهم السلام) را مطالعه نماييم، با يك نگاه كلى در مى‏يابيم كه سراسر زندگى آنها در طاعت خالق خدمت به خلق بود. چه زيبا سرود شاعر خراسانى مرحوم ثابت:

اين شنيدستم كه آن گلدسته باغ عفاف                        جامه نو را به سائل مى‏دهد شام زفاف

اين عمل ثانى ندارد در جهان بى اختلاف            جز على كه داد شمشيرش به دشمن در مصاف

 بزرگان دين ما هم همين طور بودند. پيش كسوتان جامعه مداحى در قديم الايام ميان دار خدمت رسانى به مردم بوده‏اند. هنرمندان، ورزشكاران و ساير اصناف در هر حادثه‏اى گردهم مى‏آيند وآستين خدمت به مردم را بالا مى‏زنند، اما اثرى از جامعه مداحان يا نيست يا كم رنگ است. در صورتى كه مادحين عزيز در اين مسير با بهره‏گيرى از هنر مقدس مداحى و كلامى مى‏توانند بهترين يار مردم در مشكلات باشند.

 مرحوم كافى (ره) چندين مهديه ساخت، چند باب منزل براى افراد بى بضاعت احداث كردو صدها جهيزيه براى نوعروسان تهيه كرد. اگر مداحان مشهور اهل بيت (عليهم السلام) درصدى از در آمد خود را جمع كنند و يك كانون داشته باشند مى‏توان صدهايى بضاعت را سامان داد. ما مى‏گوييم امام حسن (عليه السلام) چندين بار زندگى خود را خرج فقرا كرد.

 2 - روحيه انتقاد پذيرى: عدم پذيرش انتقاد در جامعه مداحان يك معضل است. حتى برخى از مداحان جوان از جواب دادن به برخى علماى دلسوز هم خوددارى مى‏كنند. يكى از علماى بنام كه علاقه زيادى به مداحان دارد و اگر متوجه حضور يك مداح در پاى منبر شود حتى روضه نمى‏خواند و مجلس را به مدح واگذار مى‏كند، نقل مى‏كرد: يك مداح جوانى مقتلى را خواند، بنده سوال كردم سند مقتل كجاست؟ شروع كرد به هتاكى و جوسازى كه شما علما به مداحان حسادت داريد! چون مردم شما را تحويل نمى‏گيرند شما عقده‏اى هستيد... .

 البته ما قبول داريم كه برخى روحانيون جوان هم در انتقاد كردن افراط مى‏كنند، اما به هر صورت مداح بايد حليم و صبور باشد و باسعه صدر با روضه برخورد كند.

 3 - پرهيز از ورود به تحريفات: تحريف سه قسم است؛ تحريف لفظى، تحريف معنوى و تحريف لحنى.

 تحريف لفظى، آوردن مطلبى است كه اصلا دروغ است و وجود نداشته است. مثل عروسى قاسم در كربلا يا عبارتى را كم يا زياد كنند.

 تحريف معنوى، گوينده مطلبى را طورى بيان كن كه مقصود قائل آن را عوض كند.

 اما تحريف لحنى، كه متاسفانه بسيار زياد هم شده است، اين است كه به بهانه هر چه مى‏خواهد دل تنگت بگو هر سبكى را در مداحى بكار ببريم.

 مقام معظم رهبرى فرمودند: “فلان خواننده طاغوتى يا غير طاغوتى شعر عشقى را با آهنگى خوانده، حالا بياييم در مجلس امام حسين (عليه السلام) و براى عشاق آن امام همام آيات والاى معرفت را در اين آهنگ بريزيم و بنا كنيم آن را خواندن، اين خيلى بد است. « 5/5/84 ديدار با مداحان»

 هيچ كس مخالف سبك و نوآورى نمى‏باشد. اما سبك زمانى پذيرفته است كه روح، فكر، عقل و باور را به حركت در آورد، نه بدن را. سبك در مداحى بويژه در نوحه‏ها بايد محزون باشد. صرف اينكه چند نفر از اين سبك خوششان مى‏آيد بخوانيم اين بى انصافى است. بايد سبكى بخوانيم كه مورد تاييد امام عصر (عج) باشد.

 4 - مداح بايد قبل از مداح بودن حامد باشد: تابتواند ممدوح نمايى كند، در غير اين صورت خودنمائى مى‏شود و مداح نمائى. اگر مداحان اهل خلوت با خداى خود باشد واهل تهجد واهل قرآن و نماز اول وقت باشند، آن وقت مى‏شوند تابلوى معرفت به آل الله و تابلوى خداشناسى، امام‏شناسى و مى‏شوند محور محبت به آل محمد (صلى‏الله عليه‏وآله) براى رسيدن به اين مقام حتما بايد دست در دست يك استاد داشته باشند.

 شهيد مطهرى (ره) مى‏فرمايد: “شخصى به من گفت بياييد به كلاس نهج البلاغه برويم اول نپذيرفتم، گفتم من نهج البلاغه را بلد هستم. ولى بعد نظرم عوض شد رفتم كلاس يك استاد نهج البلاغه. تازه متوجه شدم كه نهج البلاغه يعنى چه. بعد از آن سيرى در نهج البلاغه را نوشتم".

 جناب حسان شاعر با اخلاص اهل بيت مى‏گويد: تمام اشعارم را پس از تاييد مرحوم علامه شهير امينى (ره) مى‏خواندم. از اين آثار شعرى جناب حسان يك جلوه خاصى دارد.

 مخصوصاً مداحان جوان و نوجوان حتما بايد دستشان در دست يك استاد و پيش كسوت باشد و مداحان بزرگ هم حتما با يك عالم ربانى دست در دست باشند.

 پس قنبر در خانه على شدن كار آسانى نيست، اينطور نيست كه سلمان منا اهل البيت كار آسانى باشد، لذا بايد با عمل در اين زمينه هم سعى و تلاش زيادى انجام شود.

 5 - زمان‏شناسى و مردم‏شناسى: يكى ديگر از مهم‏ترين جهات در مداحى موقعيت و زمان‏شناسى است: زمان‏ها متفاوتند مثل زمان طبيعى، زمان تاريخى تزمان اجتماعى و هر يك مقتضياتى دارند كه در روايات هم به آنها اشاره شدهاست. زمان طبيعى همان تحولات و حوادث و دگرگونى‏ها و قوانين طبيعى و مقدرات تكوين است كه امام صادق (عليه السلام) فرمودند: “براى افراد عاقل در حالى كه هستند شايسته نيست سه چيز را از ياد ببرند كه يكى از آنها آفات و بلايايى طبيعى است."

 مداح بايد زمان رويدادهاى تاريخ اسلاى و شيعه و اهل سنت را بداند تا در اين زمان مردم را نسبت به وقايع آن آگاه كند و بيان واقعى تاريخى همان روز كه واقع شده تاثير فراوان و مستقيم دارد.

 6 - مردم‏شناسى: مداح با توجه به شناخت و اطلاع از افكار و عقايد و حالات هر جمعى مداحى مى‏كند و اين شناخت در هر زمانى با زمان ديگر متفاوت است زيرا مردم متفاوتند. امام حسين (عليه السلام) فرمودند: “عاقل كسى است كه بداند مردم از او چه توقعى دارند. «اعتقاد بزرگان اين است، مداح بايد عالم به زمان باشد. شاعر خوب كسى است كه عالم باشد. جهل مبلغين و سادگى و كم سوادى يا بى سوادى آنها وقتى به جهل مداح و مستمعين آميخته مى‏شود، اهل بيت و معارف آنان در همان غربت خواهند بود بايد با فرهنگ مردم هر شهر آشنا بود بعنوان مثال در فلان شهر در آوردن لباس را براى سينه زنى مناسب نمى‏دانند يا در شهرى كف زدن را عملى لهو مى‏دانند، لذا بايد به فرهنگ‏ها و رسوم مردم در صورتى كه خلاف شرع نباشد احترام گذاشت.»

 7 - آشنايى با قواعد و تسلط بر قرائت قرآن: بسيار مشاهده مى‏شود كه برخى از مداحان قرآن كريم را حتى از رو به زحمت مى‏خوانند. هزاران بيت شعر را حفظ مى‏كنند ولى در زمينه روخوانى قرآن مشكل دارند. مداحان بايد دوره كامل روخوانى و روانخوانى و حتى تفسير قرآن را بياموزند، تا خداى ناكرده قرآن خواندن مداحان در مجالس ختم و ساير مجالس نقل تفريح عده‏اى نشود. برخى آنقدر كه به مداحى و شعر و مرثيه و آداب شعرى و آرايه‏هاى شعر اهميت مى‏دهند كه البته نياز است، به ادب و رعايت شئونات قرائت قرآن كريم خصوصاً در مجالس ترحيم توجه ندارند و بدون توجه به اين موضوع فقط قرآن مى‏خوانند. هر مداح و شاعرى لازم است كه بيشتر از شعر و مرثيه به قرآن اهميت بدهد و فراگرفتن قرآن را در اولويت قرار دهد و آيات قرآن را با قواعد مربوطه بخواند و قرآن را بهتر و بيشتر از شعر، حفظ باشد.

 البته محافل قرآن هم از ذكر اهل بيت نبايد خالى باشند. قرآن و عترت در كنار هم ارزش دارد و هر كدام مكمل ديگرى است و اين دو امانت پيامبر (صلى‏الله عليه‏وآله) را بايد با هم داشت.

 **اخلاق مداحى (3): خوددارى از افراط**

 مداحان اهل بيت عصمت و طهارت (عليه السلام) سرمايه عظيمى در دست دارند كه بايد در حفظ آن كوشا باشند. مداح مى‏تواند احساسات عاشورائى را بسيج كند و اهداف امام حسين (عليه السلام) و ساير ائمه (عليهم السلام) را در قالب اشعار در دل‏هاى مردم به ويژه جوانان جاى دهد. به همين علت خود ائمه فرموده‏اند: لك بيت، بيت فى الجنه.

 اما اين سرمايه ممكن است دچار آفاتى شود و يا به عبارتى بايد با آداب و اخلاقى همراه باشد كه در مباحث سلسله‏اى بر آن هستيم تا از باب تذكر به آن بپردازيم. در شماره قبل به مواردى همچون انتقادپذيرى، روحيه خدمتگزارى به مردم، پرهيز از تحريفات، زمان‏شناسى و مردم‏شناسى، آشنايى با قواعد و تسلط بر تلاوت قرآن اشاره نموده‏ايم. اميدواريم مورد توجه به علاقه سروران عزيز مداح قرار بگيرد.

 - **پرهيز از غلو (افراط)**

 بدوا بايد معنى غلو را مشخص كنيم. (غلو، غلواء، مغالاه يعنى افراط، زياده روى، اغراق، گزافه گويى). در حديثى معروف داريم اياكم و الغلو فى الدين؛ بر شما باشد كه از حدود اوامر حق تجاوز نكنيد.

 بعضى مى‏گويند بحث از باطن هر چيز ننماييد و كاشف از علت و مشكلات آن نباشيد.

 در قرآن هم مى‏فرمايد: يا اهل الكتاب لا تغلوا فى دينكم؛ اى اهل كتاب از حدود آنچه خدا نازل كرده و در كتب خود بيان داشته تجاوز نكنيد و از حد مگذريد(مائده/75).

 و يا حامل القرآن غير الغالى فيه و لا الحاقى عنه و يا در حديث داريم خير الامور اوسطها حامل قرآن كسى است كه از حد آن تجاوز نكند و چيزى از آن را فروگذار ننمايند بلكه رعايت اعتدال را بنمايد.

 امام صادق (عليه السلام) همانند اجداد طاهرينش به شدت در برابر اغارق و غلو ايستادگى مى‏كرد. در طى سالها تلاش از زمان امام على (عليه السلام) تا امام باقر (عليه السلام) محبوبيتى براى اهل بيت (عليهم السلام) پديد آمده و نفوذ شيعه در عراق و برخى از نقاط ديگر تعميق يافته بود. اينك غلو كنندگان مى‏كوشند تا با رخنه درون شيعه آن را از داخل متلاشى كرده و چهره خارجى آن را خراب كنند. به طورى كه يكى از خوارج شيعه را متهم كرده بود كه آنها گمان كرده‏اند به جهت دوستى اهل بيت (عليهم السلام) مستغنى از انجام اعمال صالح بوده واز عذاب به خاطر اعمال بدشان نجات مى‏يابند.

 به هر صورت امام صادق (عليه السلام) مغز متفكر شيعه و بنيانگذار مذهب حقه جعفرى است كه عموم شيعيان به آن دلبستگى خاص دارند. آن حضرت (عليه السلام) غلات را سد كنندگان راه خدا دانسته و براى تهذيب شيعه و حركت در جهت نفى غلو و دور كردن شيعيان از جريان علو اقداماتى را از قبيل: دور كردن شيعيان اصيل از غاليان منحرف

 امام (عليه السلام) به مفضل فرمودند: يا مفضل لا تقاعدوهم و لا تواكلوهم و لا شاربوهم و لا تصافحوهم؛ اى مفضل! با غلات نشست و برخاست نكنيد، با آنان هم غذا نباشيد و همراهشان چيزى ننوشيد و با آنان مصافحه نكنيد(1) در روايت ديگرى امام (عليه السلام) غلات را ملعون خطاب كرده و فرمودند: من و پدرانم از آنها بيزاريم(2).

 به ويژه به جوانان شيعه حساسيت زيادترى داشته و مى‏فرمودند: احذر و على شبابكم الغلاه لا يسفيدونهم، فان الغداه شر خلق الله، يصغرون عظمه الله و يدعون الربوبيه لعباد الله؛ درباره جوانان خويش از اين كه غلاه آنان را فساد كنند بترسيد. غلاه برترين دشمنان خدا هستد، عظمت خدا را كوچك كرده و براى بندگان خداوند ادعاى ربوبيت مى‏كنند(3). از جميع اقوال حضرت صادق (عليه السلام) اينگونه استنباط مى‏شود كه حضرت حتى بدهت گذاران را هم در رديف غلات مى‏بيند و مى‏فرمايد: از همنشينى با اهل بدعت پرهيز كن، زيرا باعث رشد و نمو كفر و گمراهى آشكار در قلب مى‏شود(4).

 سدير صيرفى نزد امام (عليه السلام) آمد و عرض كرد: جانم به فداى تو، شيعيان درباره شما اختلاف كرده‏اند. بعضى اظهار مى‏كنند كه در گوش سخن گفته مى‏شود، برخى گويند به شما وحى مى‏شود، بعضى مى‏گوين به قلب شما الهام مى‏شود، بعضى مى‏گويند به قلب شما الهام مى‏شود. برخى مى‏گويند به كتب آباء، خويش فتوا مى‏دهيد. كدام يك را بايد قبول كرد؟

 امام (عليه السلام) فرمودند: آنچه را گفته شده رها كن. ما حجت خداوند و امين او بر خلق او هستيم، حرام و حلال ما از كتاب خداوند است. عيسى البحرانى گفت: نزد امام صادق (عليه السلام) رفتم و عرض كردم آيا آنچه رااز اين قوم (غلاه) شنيده‏ام بازگويم. امام فرمود: بگو. گفتم: دسته‏اى از اينان تو را عبادت مى‏كند وتو را الهى جدا مى‏دانند، دسته‏اى ديگر تو را در حد نبوت بالا مى‏برند.

 امام (عليه السلام) آنقدر گريه كرد كه محاسنش از قطرات اشك پر شد. آنگاه فرمود: اگر خداوند مرا بر آنان مسلط كند و خون آنان را نريزم خداوند خون فرزندم را به دستم بريزد. يعنى غلاه از نظر امام (عليه السلام) واجب القتل هستند(5).

 به لحاظ اهميت بحث مجبور شده‏ايم موضوع را بيشتر بررسى كنيم تادوستان مداح و شاعر اين مسئله را مورد توجه قرار دهند. حال كه موضوع غلاه روشن شده است به برخى از غلاه در مدايح و مراثى اهل بيت (عليهم السلام) كه اخيرا رايج شده اشاره مى‏كنيم.

 1) استفاده از عبارات شرك‏آميز و كفر آلود مثل “لا الا الا فاطمه الزهرا، من حسين اللهيم، من على اللهيم". حضرات مراجع فرمودند: اگر كسى بداند كه چه مى‏گويد استكانى را كه در آن چاى مى‏خورد بايد آب كشيد.

 حساب از من چه مى‏پرسى، حسابم با حسين است، جوابم با حسين است.  هر سوالى از من شود مى‏گويم حسين، من ربك حسين، من دينك حسين، من كتابك حسين، من نبيك حسين.

 تمام اين كلمات در رديف شرك و غلو محسوب مى‏شود. در صورتيكه خود امام حسين (عليه السلام) در روز عاشورا مى‏فرمايد: الهى رضا برضائك و تسليما لامرك لا معبودلى سواك يا غياث المستغيثين.

 يكى از مصاديق غلاه چراغ سبز به گناه نشان دادن است. احدى منكر ان الحسنات يذهبن السيئات نمى‏باشد. هيچ كسى نسبت به ارزش اشك و گريه بر امام حسين (عليه السلام) و اهل بيت (عليهم السلام) ترديدى ندارد. اما همه اين ارزشها نبايد بهانه‏اى براى نشان دادن چراغ سبز بگناه مردم باشد. حضرت آيت الله العظمى مكارم شيرازى مى‏فرمايد: نبايد در مجالس عزادارى گفته شود كه در طول سال هر گناهى كه مى‏خواهيد انجام دهيد اما در ماه محرم كه عزادارى مى‏كنيد گناهانتان شسته مى‏شود. امام حسين (عليه السلام) براى مكتب و مذهب شهيد شد لذا در مجالس حسينى بايد مذهب را تقويت كرد. جريان حاجب كاشانى و شعرا و او كه “حاجت اگر محاسبه حشر با على است من ضامنم تو هر چه كه خواهى گناه كن « حضرت (عليه السلام) را در خواب ديد كه به او فرمود: “تو مداح و شاعر خوبى هستى ولى اين شعرت خود نبود." وقتى پرسيدم چه بگويم، امام (عليه السلام) فرمود: “بگو حاجت يقين محاسبه حشر با على (عليه السلام) است شرم از رخ على (عليه السلام) كن و كمتر گناه كن».

 ببينيد فرق اين دو تفكر چقدر است.

 عده‏اى براى ملاقات با على بن موسى الرضا (عليه السلام) مى‏آمدند بيش از شصت مرحله آمدند، ولى امام (عليه السلام) آنها را به حضور نپذيرفتند و آخرين مرحله با اصرار شرفياب شدند. امام رضا (عليه السلام) فرموده‏اند: ادعاى گزافى كرده‏ايد، گفتيد شيعه شما هستم. حقا با اين عنوان خيلى فاصله داريد. شيعه نشانه هايى دارد. گفتند ما محب شما هستيم. فرمودند: حال قبول است. بين شيعه و محب خيلى تفاوت‏ها وجود دارد. لذا مداحان، گويندگان و وعاظ وظيفه دارند مردم را به سمت و سويى سوق دهند كه مورد نظر اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم السلام) و همان شيعه بودن است.

 **اخلاق مداحى (4): پرهيز از دروغ**

 پرهيز از دروغ در مداحى

 در قرآن كريم دروغگويان مورد لعن خدا واقع شده‏اند. دروغ از معاصى كبيره است. برخى از علماى علم اخلاق دروغ را سرمنشا خيلى از گناهان مى‏دانند.

 شهيد بزرگوار دستغيب در كتاب گناهان كبيره آورده است؛ رسول خدا (صلى‏الله عليه‏وآله) فرمودند: مؤمن اگر بدون عذر دروغ بگويد، هفتاد هزار ملك او را لعنت مى‏كنند و بوى گندى از قلبش بيرون مى‏آيد تا به عرش برسد و خداوند به سبب اين دروغ، گناه هفتاد زنا را براى او مى‏نويسد(6).

 قرآن كريم در سوره نور(7) مى‏فرمايد: ان لعنته الله عليه ان كان من الكاذبين، دروغگو مورد خشم و غضب خداست.

 محتمل است اين عقوبت براى دروغى باشد كه ضرر و مفسده‏اش بيش از ضرر و مفسده زنا است. چنان كه بعضى از دروغ‏ها است كه سبب برافروخته شدن آتش فتنه و از بين رفتن اموال و اعراض بلكه ريختن خونها مى‏گردد و يا اين كه مراد دروغ بر خدا و رسول ائمه طاهرين (عليهم السلام) باشد كه اشد مراتب كذب است.

 دروغ بستن به خدا و ائمه اطهار (عليهم السلام) باعث ابطال روزه مى‏شود. محدثين مى‏گويند: دروغ همانطور كه روزه را باطل مى‏كند، باعث حبط اعمال صالحه مى‏شود. در قرآن كريم چند جا كلمه ويل دارم ويل يومئذ المكذبين، ويل للمصلين و ويل للمطففين ولى يك آيه ديگر نيز آمده خيلى مهم است.

 فويل للذين يكتبون الكتاب بايديهم، فويل لهم مما كتبت ايديهم و ويل لهم مما يكسبون(8)؛ واى بر آن كسانى كه از پيش خود چيزى نوشته و مى‏گويند: واى بر آنهايى كه از نوشته مجهول چيزى بدست مى‏آورند و واى بر نوشته هايشان.

 به دو مورد از روضه‏هاى دروغ كه برخى خوانده‏اند توجه بفرماييد.

 مداحى نقل مى‏كرد: امير المؤمنين (عليه السلام) حضرت عباس (عليه السلام) را در سنين كودكى سوار بر اسب مى‏كرد و اسب را رها مى‏كرد، حضرت ابوالفضل (عليه السلام) از اسب به زمين افتاد. ام البنين (س) علت را سوال كرد. آقا امير المؤمنين (عليه السلام) فرمودند: مى‏خواهم فرزندم از الان افتادن از روى اسب را تجربه كند براى كربلا. آيا هيچ انسان كوته فكرى با فرزندش چنين رفتارى مى‏كند كه امير المؤمنين (عليه السلام) مطهر عقلانيت و انسانيت چنين كند.

 در جاى ديگرى مطرح شده: وقتى جعهده به امام حسن (عليه السلام) زهر داد، امام حسين (عليه السلام) به بالين برادر آمدند. حضرت عبد الله بن حسن (عليه السلام) به عمو عرض كرد: من مى‏دانم چه كسى به پدرم زهر داد و حضرت قاسم (عليه السلام) اشاره كرد كه چيزى نگو! حضرت عبد الله (عليه السلام) در كربلا بنا به نقل مشهور و صحيح 11 ساله بوده‏اند. امام حسين (عليه السلام) در سال 50 هجرى شهيد شده‏اند. يعنى به طور قوى عبد الله (عليه السلام) هنوز يك سال هم نداشتند. چگونه طفل سخن مى‏گويد. البته برخى‏ها براى توجيه دروغ مى‏گويند در دستگاه اهل بيت (عليه السلام) همه چيز امكان‏پذير است. بله اين فقط در مورد امام معصوم (عليهم السلام) صدق مى‏كند كه آن هم در مورد امير المؤمنين (عليه السلام) و امام عصر (عج) كه به محض توليد قرآن خوانده‏اند يا امام حسين (عليه السلام) با حضرت زهرا (س) در رحم حرف مى‏زد. امام موضوعات مذكور دروغ محض و ساختگى و باعث تشويش اذهان مردم علاقمه‏مند به اهل بيت (عليهم السلام) و سوء استفاده دشمنان تشيع مى‏شود. الحمد الله اين قدر معارف و مقاتل اهل بيت (عليهم السلام) گستردهاست و داستان زندگانى سراسر نور ائمه هدى (عليهم السلام) و به ويژه امام حسين (عليه السلام) روشن و واضح است و مطالب ارزنده و آموزنده و مستند و معتبر و متقن زياد است كه قرنها همه مداحان و وعاظ و گويندگان مذهبى را بس است. براى توجه دوستان ذاكر و همه علاقه‏مندان به مكتب تشيع چند حديث نقل مى‏كنيم.

 مردى از رسول خدا (صلى‏الله عليه‏وآله) سوال كرد: چه عملى سبب دخول در آتش مى‏شود؟ پيامبر فرمود: دروغ زيرا دروغ سبب فجور، كفر؛ كفر سبب دخول در آتش است.

 - عذاب ويژه دروغگويان

 1 - رسول مكرم اسلام (صلى‏الله عليه‏وآله) مى‏فرمايد: شبى كه به معراج رفتم ديدم مردى را كه بر پشت خوابانيده شده و ديگرى بر سرش ايستاده و در دستش عصايى از آهن كه سرش گج باشد بود. پس بر يك طرفش مى‏آمد و با آنچه در دستش بود، بر رويش مى‏زد. و از طرف دهان تاقفايش را قطعه قطعه مى‏كرد و همين كار را تكرار مى‏كرد و هنوز از اين طرف فارغ نشده، طرف ديگر را شروع مى‏كرد. پرسيدم علت عذاب اين شخص چيست؟

 فرمودند: اين مردى است كه صبح از خانه‏اش بيرون مى‏رود دروغى مى‏گويد كه زيانش به آفاق مى‏رسد و با او تا روز قيامت چنين رفتارى مى‏شود(9).

 2 - امام باقر (عليه السلام) به ابو نعمان مى‏فرمايد: يك دروغ هم از قول ما مگو، زيرا كه آن دروغ تو را از دين حنيف اسلام خارج مى‏كند(10).

 يعنى به واسطه اين دروغ كه بر ما بستى نور ايمان از دلت خارج مى‏شود واگر اين قسم دروغ در حال روزه باشد در صورت تعمد موجب بطلان رزه هم مى‏شود.

**تذكر مهم**

 شهيد دستغيب مى‏فرمايد: فرقى در حرمت دروغ نيست. بين اين كه دروغ را به زبان بگويد يا به قلم بنويسد يا به اشاره بفهماند و نيز فرقى نيست دروغى را كه مى‏گويد در كتابى ديده باشد و خودش نسبت دهد يا اختراع خودش باشد. لذا كسانى كه در امر تبليغ منبر و خطابه و مداحى را دنبال مى‏كنند در معرض خطر بزرگى هستند.

 نكته آخر امير المؤمنين (عليه السلام) به حارث همدانى مى‏فرمايد: “نقل مكن براى مردم هر چه را كه شنيدى كه همين بى مبالاتى در نقل كافى است در دروغگويى(11).

 **اخلاق مداحى (5): غلو؛ خواست دشمن**

 در طى سال‏هاى تلاش، از زمان امام على (عليه السلام) تا امام باقر (عليه السلام) محبوبيتى براى اهل بيت پديد آمده بود و نفوذ تشيع در عراق و برخى از نقاط ديگر، تعميق يافته بود. در آن زمان غلاه مى‏كوشيدند تا با رخنه در درون شيعه آن را از داخل متلاشى كرده و چهره خارجى آن را خراب كنند.

 جريان غلاه از جهاتى براى تشيع خطرناك بود و از درون سبب ايجاد آشفتگى در عقايد شيعه شده و آن را منزوى مى‏كرد، اينكه مرورى بر اقدامات امام صادق (عليه السلام) در جهت طرد و نفى غلاه در ديدگاههاى آنها ونيز تكفير اين گروه خواهيم داشت.

 اقدامات امام صادق (عليه السلام)

 1 - دور كردن شيعيان اصيل از غلاه منحرف: بديهى است وجود رابطه بين شيعيان خالص و ناب يا اينگونه افراد به لحاظ جذابيت موجود در اين قشر مى‏توانست شيعيان را به طرف غلو بكشاند، به ويژه كه غلاه به دروغ خود را از نزديكان ائمه معرفى مى‏كردند. وقتى با تكذيب امام مواجه مى‏شدند. مى‏گفتند كه اين تكذيب صرفا از روى تقيه است. اين امر در فريب شيعيان ساده دل موثر بود.

 2 - انكار عقايد غلاه: امام (عليه السلام) براى نجات تشيع از اين گروه كتاب خدا را ميزان قرار مى‏دادند واز شيعيان مى‏خواست ادعاى نادرست غلاه را نپذيرند.

 امام (عليه السلام) در پاسخ به يكى از صحابه كه اظهار داشت شيعيان درباره شما اختلاف كرده‏اند؛ بعضى اظهار مى‏كنند كه در گوش شما سخن گفته مى‏شود، بعضى مى‏گويند به شما وحى مى‏شود و بعضى مى‏گويند به قلب شما الهام مى‏شود، بعضى مى‏گويند در خواب مى‏بينيد، بعضى مى‏گويند به كتب و آراء آباء خويش فتوا مى‏دهيد. كداميك را بايد پذيرفت؟

 امام فرمودند: لا تاخذ بشى‏ء مما يقولون، نحن حجه الله و امناء عليه خلقه حلالنا من كتاب لله و حرامنا منه؛ آنچه را كه گفته شده رها كن، ما حجت خداوند وامين او بر خلق او هستيم، حرام و حلال ما از كتاب خداوند است(12).

 3 - لعن امام (عليه السلام) به غلاه: لبه تيز برخورد امام با غلاه عقايدى بود كه ضمن آنها، كوشش مى‏شد تا جنبه‏اى از الوهيت به امامان نسبت داده شود كه آن حضرت فرمود: لعنت خداوند بر كسى كه چيزى در حق ما بگويد كه ما خود نگفته‏ايم. لعنت خداوند بر كسى كه ما را از عبوديت براى خدايى كه ما را خلق كرده و بازگشت ما به سوى او و سرنوشت ما در يد قدرت اوست، جدا سازد (13).

 در روايت ديگرى آمده كه حضرت فرمودند: خداوند مفوضه (14) را لعنت كند، آنها عصيان پروردگار را كوچك كردند تا از اجراى احكام الهى و اداى حقوق فرا كنند (15).

 با اين برخورد پيام گونه امام صادق (عليه السلام) و حركت صحيح ساير ائمه شيعيان اصيل از اين انحراف رهايى يافتند اما، متأسفانه اثرات نامطلوب آن در جلوگيرى از رشد بيشتر شيعه باقى ماند. حتى در تاريخ دارد به خاطر وجود غلو ابو حنيفه به اصحابش دستور داد كه حديث غدير را نقل كنند گر چه اين عمل بسيار ناپسند است اما اين عمل نشان مى‏دهد كه جريان غلو، چه ضررى حتى بر نقل صحيح‏ترين روايات فضايل امير المؤمنين داشته است.

 دشمنان مكتب و مذهب حقه تشيع از هر راهى در هر برهه‏اى به اين دسيسه متوسل مى‏شوند به طورى كه همفر انگليسى در خاطرات خود مى‏گويد براى جلوگيرى از نفوذ شيعه بايد اقداماتى را انجام دهيم از جمله اينكه: تبليغ عقايد و مذاهب من در آوردى و ساختگى در مناطق اسلامى با برنامه ريزى آگاهانه و منظم به گونه‏اى كه تبليغ پس ارزيابى زمينه‏هاى مساعده فكرى در اقشار مردم صورت گيرد و خلاصه اينكه براى پيروان تشيع كه علاقه زايد الوصفى به ائمه خود دارند، مذهب حسين الهى، پرستش على بن ابى طالب و حضرت صادق (عليهم السلام)، مبالغه در شخصيت امام غائب و مهدى موعود مبالغه در شخصيت على بن موسى الرضا (فرقه‏هاى مختلف على الهى، صادق الهى) ترويج شود. مناسب‏ترين نقاط براى هر يك از اين مذاهب در عراق و ايران به ويژه شهرهاى پر جمعيت است. طبعا نشر و تبليغ اين مذاهب جعلى نبايد منحصر و محدود باشد. بلكه در ميان فرقه اربعه تسنن نيز بايد مذاهبى از اين دست به ترتيبى كه ياد شد انتشار يابد و اختلافات و منازعات شديدى بين اين فرقه‏ها برپاگردد. تا بدانجا كه هر فرقه خود را مسلمان واقعى بداند (16).

 يكى از اثرات نامطلوب غلو به هدف رسيدن دشمنان قسم خورده اهل بيت (عليهم السلام) هستند كه طبعاً هيچ يك از نوكران مخلص آل الله به اين امر راضى نمى‏باشند و هوشيارانه با اين پديده مقابله مى‏كنند.

 در جمع بندى اين بحث مهم بايد متذكر شد دشمن در محو كردن و از ميان برداشتن هر چيزى كه از ناحيه آن احساس خطر نموده منصرف نمى‏شود و اگر در طرحى ناموفق شد از راه‏هاى ديگر مى‏كوشد موضوع يا محيط خيز را از ميان بردارد. در ميان عزادارى چون متوجه شد دو طرح تحريف و غلو كاربردى نداشته، زيرا هوشيارى پيشوايان دينى با تحليل‏هاى همه فهم، توطئه حساب شده آنها را خنثى نمود. تنها راه باقى مانده، را در تزريق انواع آسيب‏هاى ممكن به پيكره عزادارى مى‏داند.

 آنچه در اين برهه مهم است اين است كه بعضى اوقات آسيب‏ها به وسيله ارادتمندان به عزاى حسينى به سليقه‏اى كه با ظاهر شرع هم منافاتى ندارد تزريق مى‏شود و توسط همين نوع افراد ترويج مى‏شوند.

 حضرت آيت الله وحيد خراسانى مى‏فرمايد: كوچكترين كلمه كه شعائر حسينيه را سست كند كمر خاتم النبيين را مى‏شكند.

 در پايان بايد اذعان كرد همه مادحين، شعرا و خطبا بايد گوش به فرمان مرجعيت شيعى به ويژه مرجع عاليقدر رهبر عظيم الشان باشند كه از همه مناظر به اين موضوع احاطه دارند و فتوا و كلام ايشان فصل الخطاب است.

 **آداب مداحى (6): دعا خوانى؛ جذاب و اثر گذار**

 دعاخوانى؛ جذاب‏ترين و اثر گذارترين برنامه مذهبى

 بى شك دعا خوانى و زيارت خوانى و مناجات يكى از جذاب‏ترين، پرمحتواترين و اثر گذارترين برنامه‏هاى مذهبى به ويژه برنامه مداحان عزيز مى‏باشد. ولى در اين خصوص بسيار سليقه‏اى عمل مى‏شود. دعا و زيارت را به هر شكلى مى‏خواهند قرائت مى‏كنند، نه به طورى كه بيان شده. يعنى آداب قرائت ادعيه و زيارت را مراعات نمى‏نمايند. قال رسول الله (صلى‏الله عليه‏وآله): الدعا سلاح المومن، عمودالدين و نور السموات و الارض؛ رسول خدا (صلى‏الله عليه‏وآله) مى‏فرمايند: دعا سلاح مؤمن است و ستون دين و روشناى آسمان و زمين است.

 آنچه در اين مبحث لازم است بيان شود بررسى آداب قرائت دعا و زيارت است. بسيار ديده شده كه برخى در مجالس مختلف، دعا و زيارت را به رعايت آداب و شئون وحدود و شعور آن مى‏خوانند به همنى مناسبت دعا خوانان و زيارت خوانان و زيارت خوانان كه عمده آنها را مداحان اهل بيت (عليه السلام) تشكيل مى‏دهند لازم است آداب و نكاتى را رعايت كند كه اهم آنها عبارتند از:

 1) حتما در مرحله اول يك دوره ادعيه و زيارات را هم از لحاظ روخوانى صحيح در جهت اداى الفاظ و عبارات تعليم ببينند و در مفاهيم دعا تلاش كنند تا با تفسير و فهم آن آشنا شوند. به نظر مى‏رسد مداحان گرامى بايد يك دوره صرف و نوح كامل را آموزش ببينند كه هم در مداحى در احاطه بر مقاتل عربى و هم در ادعيه و زيارات بسيار موثر خواهد بود. زيرا زبان عربى به شكلى است اگر يك فتحه يا كسره يا اداى حروف مراعات نشود معانى آنها نيز تغيير مى‏كند.

 2) مداحان جوان در جلسات دعا و زيارت خوانى مداحان پيش كسوت و مجرب و باسواد و اهل ذوق شركت كنند واز محضر آنها بهره‏مند شوند. و اصولاً شيوه اجراى مراسم دعا و زيارت را به طور عملى بياموزند.

 3) دعا نبايد با حالت فرياد خوانده شود. بلكه بايد همراه با تضرع، زارى و جذاب خوانده شود. قرآن كريم مى‏فرمايد: ادعوربكم تضرعاً و خفيه؛ خداوند درباره حضرت زكريا و حضرت عيسى (عليهم السلام) مى‏فرمايد: آنان در كارى خير سرعت داشتند و با اميدوارى و باترس ما را مى‏خوانند.

 4) ده چيز از مقارنات حال دعا است كه بايد خواننده آن را مراعات كند:

1- اصرار در دعا، 2 - تعجيل نكردن در دعا، 3 - نام بردن حاجات، 4 - صلوات بر محمد (صلى‏الله عليه‏وآله) و آل محمد (عليهم السلام) قبل و بعد از دعا، 5 - پرهيز از رياكارى، 6 - به طور عمومى دعا كردن، 7 - در حالت كسالت دعا نخواندن، 8 - اشك دردعا، 9 - كم و زياد نكردن اجزاء دعا و 10 - مقدم نشمردن ساير امور بر دعا

 امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خداوند بندگانى را كه در دعا و حاجت اصرار دارند دوست دارد. امام رضا (عليه السلام) فرمودند: يك دعاى پنهان با هفتاد دعا آشكار برابر است. (البته اين حديث منافاتى با تجمع در دعا ندارد چون دعاى دست جمعى هم خاص خود را دارد). پيامبر (صلى‏الله عليه‏وآله) فرمود: دعا را عموميت دهيد كه زودتر به اجابت مى‏رسد، همانطورى كه در دعاى ماه مبارك رمضان هم همين آموزش را مى‏بينيم. اللهم اشفع كل مريض، اللهم رد كل غريب، كلى گويى و كلى خواستن در دعا. مداحان و كلاً دعا خوانان بايد به اين چند نكته توجه كنند.

 امام صادق (عليه السلام) فرمود: آنگاه كه پوست بدنت بلرزد و اشك سرازير شود و قلبت ترسيد آن حال را غنيمت شمار كه به مقصد نائل مى‏شوى.

 امام صادق (عليه السلام) باز هم مى‏فرمايد: هر چيز كيل و وزنى دارد به جز اشك كه يك قطره‏اش درياهاى آتش را خاموش مى‏كند. مداح اهل رعايت ومجرب مى‏توان همه اين حالات را به مستمع انتقال دهد.

 براى دقت بيشتر عزيزان يكى از موارد ده گانه مقارنات دعا را بيشتر توضيح مى‏دهيم.

 **كم و زياد نكردن اجزاء دعا**

 امام سجاد (عليه السلام) فرمود: در تكرار اذكار و دعا اسرارى است كه بر اهل ظاهر پوشيده است. همانطور كه مى‏دانيم كاثر ادعيه و زيارات يا از ناحيه مبارك ائمه هدى (عليهم السلام) صادر شده است. لذا امانت دارى حكم مى‏كند كه در عبارات و فرموده‏هاى ائمه (عليهم السلام) دخل و تصرف نكنيم. به اين داستان توجه كنيد. استاندار شام در زمان منصور دوانيقى به نام على بن هبيره بود. يكى از غلامان خودرا كه شيعه بود به شدت تنبيه كرد و غلام كه رضيد نام داشت به مدينه آمد و به امام صادق (عليه السلام) شكوه برد. امام فرمودند: به شام برگد و به ابن هبيره بگو من غلامت رضيد را به پناه در آوردم. با او مدارا كن و به بدى رفتار نكن. رضيد از محضر امام (ع) مرخص و با يكى از شاگردان امام (ع) مواجه مى‏شوند. به او مى‏گويد رضيد دستانت را مى‏بينم مثل دستان يك مقتول، چشمانت را مى‏بينم به زودى مرگت فرا مى‏رسد. اما زبانت را باز كن ببينم. زبان را گشود گفت چيزى بر زبان دارى كه اگر به حيوانات درنده درا و كوه بخوانى همه تحت فرمان تو قرار مى‏گيرند. مى‏گويد به شام رسيدم و مرا به كاخ استاندارى بردند. استاندار قصد كشتن مرا داشت. گفتم پيغامى دارم. گفت از كى؟ گفتم از اباعبدالله جعفر بن محمد(ع). پيغام را گفتم بدون كم و كاست. هبيره مرا آزاد و حقوق مرا هم پرداخت كرد.

 تكرار اذكار دعا اشكال ندارد ولى انسان را از مقصود و گنج نهانى دور مى‏نمايد. عرفا دعا را به گنج يا مخ العباده تشبيه مى‏كنند. مثلا به فردى بگويند در فلان مكان وارد شدى سه متر در طول و دو متر عميق را حفر كنى به گنج دست مى‏يابى اما آن شخص برود و سه متر و نيم حفر كند و عمق هم كمتر يا بيشتر حفر كند قطعا به گنج مقصود نمى‏رسد